



قصه ۵۰ هزار تومان پیرزن

مسجد. گاهی هم هاشم آقامجبور می شد در مسجد بماند و شب هامن بودم و بچه ها، این رفت و آمد ها تا شش ماه طول کشید تا اینکه زوج جوان خادم کارآفرین، بخش زیادی از وسایلشان را کنار گذاشتند و با کمترین اسباب زندگی به خانه خادمی نقل مکان کردند.

حضور زهرا و هاشم، هم برای اهالی محله شگفت آور بود و هم امید تازه ای به روح مسجد دمیده بود. علوی خاطرات تلخ و شیرین زیادی از دوران خدمتش دارد؛ اما یکی از آن ها را که برای ماهم جالب بود، این گونه تعریف می کند: هر روز خانم مسنی از جلو مسجد رد می شد و ۵۰ هزار تومان به من می داد. من به احترام سن و سالش و گمان اینکه وسعش کم است و می خواهد به مسجد کمک کند، قبول می کردم. یک روز با خودم گفتم نکند او دارد به من صدقه می دهد. هاشم آقا که خودش کاروباری دارد و چند نفر هم برایش کار می کنند، ادامه می دهد: یک روز که آمد و خواست ۵۰ هزار تومان را به من بدهد، دلیلش را پرسیدم. پیرزن گفت، مادر جان! دیدم شما جوانی و بچه هم داری و لابد از سر احتیاج خادم شده ای؛ خواستم کمکت کنم. تا این جمله را شنیدم انگار که برق سه فاز به من وصل کرده باشند، متعجب شدم و به آن پیرزن گفتم، مادر جان! من نیازی به این پول ندارم. این ماشین مال من است. خانه هم دارم؛ اما چون خادمی را دوست دارم اینجا آمده ام. تازه کارگاه تولیدی کفش من هم سرکویه است و چند نفر دارند برایم کار می کنند. او از این دست خاطرات کم ندارد و می گوید: متأسفانه اغلب مردم این طور فکر می کنند هر کسی که خادم مسجد است، ندار و فقیر و پیر است.

حال و هوای جوانان مسجد

علوی علاوه بر شکستن این باور سنتی که همه خادم ها از سر ناچاری، به این شغل روی می آورند، حال و هوای مسجد را هم به کمک هیئت امنای جوانش تغییر داده است؛ «یک روز آقایی برای نماز به مسجد آمد و وقتی فضا را دید، گفت من آخرین بار ۱۰ سال پیش به اینجا آمدم و آن موقع فرش های مسجد کهنه

و پوسیده بود؛ چقدر مسجد نووار شده است.»

علوی برای ایجاد این نظم و تغییر تلاش کرده است؛ «با کمک خیران محلی و خیران دیگری که توانستم جذب کنم، فرش ها را یک دست کردیم. اینجا هر سه نماز صبح و ظهر و مغرب برگزار می شود. چند امام جماعت فعال و باسواد داریم. کانون فرهنگی مسجد هم فعالیت های فرهنگی و ورزشی مختلفی در طول سال برگزار می کند.»

فعالیت های این مسجد زیاد است و در گزارش دیگری به آن خواهیم پرداخت؛ اما همین قدر بگوییم که پای جوان های محله به خاطر این زوج خادم جوان به این مسجد باز شده است؛ «دخترم هدیه یازده سال دارد. او به همراه دوستانش یک تیم دخترانه مسجدی تشکیل داده و اسمش را گذاشته اند «کاروان اربعین»، و پایه هر مراسمی در مسجد هستند. یکی از آن مراسم همیشگی و پرطرفدار، اعتکاف ایام ماه رجب است؛ ایام اعتکاف که از راه می رسد، دخترهای نوجوان برای شرکت در آن ذوق و شوق دارند. دختر من هم یکی از آن هاست.»

به باور علوی اگر مساجد بتوانند پای جوان ها را به این محیط باز کنند، هنر کرده اند؛ بزرگ ترها که عمرشان در صف های نماز مساجد می گذرد.

دوست نه کارفرما

امیرحسین جعفری، از جمله نیروهای جوان و محلی در کارگاه تولیدی کفش آقای علوی است.

پشت یکی از میزهای کار در کارگاه نشسته است و دارد روی قالب های کفش،

رویه اولیه می کشد تا برای بقیه مراحل تولید آماده شود. جعفری به ما می گوید: کارم در این کارگاه پیشکاری است. نزدیک به پنج سال است با آقای علوی کار می کنم و جز خوبی از او ندیده ام.

جعفری رویه ها را که قبلاً آماده کرده است، یکی یکی برمی دارد و کنار هم می چیند؛ «ما در این کارگاه، فضای صمیمانه و خوبی داریم. آقای علوی مثل دوست برای ماست، نه کارفرما. حواسش به همه چیز هست. هم سعی می کند کار را به ما برساند و سفارش بگیرد، هم حقو قمان را به موقع پرداخت می کند و هم دقتش در کار بالاست.» از او می خواهیم واژه دقت را کمی بیشتر برایمان توضیح دهد؛ «مهارت در کارش دارد و به همه بخش های تولید کفش مسلط است. اگر مشکلی هم در کار پیش بیاید، دوستانه تذکر می دهد.»

خادمی که مربی هم هست

حالا دخترها و پسرهای جوان و نوجوان محله، خادم جوان مسجد موسی بن جعفر^(ع) را می شناسند و وقتی او را در محله می بینند با ذوق و شوق سلام می کنند. قاسم و حدتی، عضو هیئت امنای مسجد، بر جوان گرایی مسجد تأکید می کند و می گوید: خادم قبلی بیشتر از هشتاد سال داشت و به اقتضای سنش، نمی توانست به خوبی یک جوان ارتباط

بگیرد. حضور آقای علوی در این مسجد باعث شده است این محل تبدیل به پاتوقی فرهنگی و ورزشی برای جوان های محله شود.

او ادامه می دهد: آقای علوی فقط یک خادم معمولی نیست. اگر مربی های کانون و پایگاه بسیج کمی دیرتر بیایند یا کاری برایشان پیش بیاید، او برنامه را تعطیل نمی کند؛ مثلاً اگر مربی قرآن کمی دیرتر بیاید و نوجوان ها بخواهند برنامه روزانه شان را انجام بدهند، آقای علوی کنار بچه های نشیند و با آن ها قرآن می خواند.

به گفته و حدتی، خادم فعلی مسجد، راهبری است که همه برنامه ها با کمک و راهنمایی او پیش می رود. نوع رفتارش با همه به ویژه نوجوان ها هم باعث شده است این گروه سنی بیشتر به مسجد بیایند. حضور آقای علوی برای مسجد موسی بن جعفر^(ع) یک فرصت است.

و حدتی می گوید: چند کوچه آن طرف تر مسجدی داریم که هر دو سال یک بار خادمش عوض می شود. آقای علوی به خاطر علاقه ای که به کارهای فرهنگی و محبتی که به اهل بیت^(ع) در دلش دارد، پای کارش مانده است.

